ادامه از صفحه اول

نگاه مادرانه به یک طرح خانوادگی

از سوی دیگر درنظرگرفتن مهدکودک‌های عمومی و رایگان در کنار مهدکودک‌های خصوصی برای مادران شاغل یا مشغول به تحصیل، پرداخت ماهانه مبلغی برای نگهداری فرزندان به مادر (که به شکل تقریبی کفاف هزینه خوراک و پوشاک بچه‌ها را می‌دهد)، سیستم سلامت و بهداشت فراگیر و رایگان، فراهم‌آوردن نظام فرزندخواندگی قانونی و بسیار محکم برای جلوگیری از سقط‌جنین بچه‌های ناخواسته از سیاست‌هایی بوده که دولت کانادا برای افزایش جمعیت خود در نظر گرفته است. اما آنچه «در طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» دیده می‌شود، دنبال‌کردن سیاست مادران بی‌اراده و بی‌حقوق با فرزندان بی‌شمار است بدون آنکه تعهدی جدی برای دولت جز دادن جایزه‌های خیالی در نظر گرفته باشد. گام‌های این افزایش جمعیت به‌طور خلاصه اینگونه است، گام اول؛ تغییر آموزش دختران در دوره‌های مقدماتی. دختران جوان از طریق تغییر محتوای درسی به‌جای آنکه برای ایفای نقش اجتماعی آماده شوند برای حاملگی و زایمان و خانه‌داری آماده خواهند شد. گام دوم؛ محدودیت جدی زنان برای تحصیل در رشته‌های درآمدزا. در مرحله بعدی با اجرایی‌کردن سیاست‌های «بومی‌گزینی» و «سهمیه‌بندی جنسیتی» راه زنان برای تحرک اجتماعی و رسیدن به رشته‌هایی که درآمدزا هستند یا منزلت اجتماعی بالاتری را تضمین می‌کنند سد می‌شود. این کار درواقع به شکل غیرمستقیم امکان رسیدن به شغل را در آینده از زنان می‌گیرد. گام سوم و نهایی؛ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده. اگر همه اینها کارگر نیفتاد و کار به مرحله استخدام رسید، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده وارد می‌شود و با اولویت‌بندی استخدامی مردان متاهل صاحب فرزند را در صدر قرار می‌دهد و زنان مجرد و حتی متاهل را در اولویت‌های آخری قرار می‌دهد که عملا نوبتی به آنها نرسد. خب در این مقطع برای زن درس‌خوانده یا نخوانده بیکاری که لابد سرمایه و اعتباری هم ندارد که کاری راه بیندازد، فرزندآوری را تبدیل به پروژه کسب درآمدکردن، آخرین گام برای رسیدن به جمعیت ۱۵۰ میلیونی است. فرزندانی که قرار است از طریق این برنامه به جمعیت ایران اضافه شوند باید با دستمزد یکی از والدین که حداقل مصوب و قانونی آن ۵۳۰ هزارتومان در ماه است بزرگ شوند و مادرشان همزمان نقش حمل‌کردن، زاییدن، مهدکودک، آموزش‌دهنده، پرستار و... را بازی کند. مادر این بچه‌ها باید زندگی‌اش را بدون هیچ حمایتی صرف بزرگ‌کردن بچه‌هایی کند که امیدوار باشد آینده‌ای بهتر از او در انتظارشان است. اتوبوس می‌رسد، هوای گرفته تهران و جمعیت زیادی که در اتوبوس به‌هم‌چسبیده‌اند عملا نفس‌کشیدن را مشکل کرده است، به‌سختی پیاده می‌شوم و سعی می‌کنم امیدوار باشم که حداقل قانونگذاران برای هوای قابل‌تنفس و حمل‌ونقل عمومی ۱۵۰ میلیون‌نفر نیز فکری کرده باشند.

خوزستان؛ مقصد اول

خوزستان در دوران دفاع مقدس جزو اولین استان‌هایی بود که مقابل دشمن ایستاد و آسیب‌ها و لطمات زیادی را متحمل شد اما متاسفانه آنچه را که مردم از پس از جنگ شاهد آن هستند حل‌نشدن برخی مسایل اساسی است. این نکته که به‌لحاظ اقتصادی، نباید از دوران قبل از انقلاب چیزی کم داشته باشند و به‌ویژه شهرستان‌های جنوبی خوزستان، حق بیشتری برای توسعه دارند، مورد اتفاق همگان است. فقر و بیکاری و در کنار آن، آسیب به زیرساخت‌های اقتصادی نیازمند توجه ویژه است. از دیگرسو، مردم استان به سبب آگاهی و بلوغ سیاسی، مطالبات ملی و منطقه‌ای دارند که روز گذشته نیز در شعارهای خود، آن را بیان کردند. با توجه به اینکه این استان دارای قومیت‌های مختلف است، اشاره رییس‌جمهور به انتخاب آن به‌عنوان قطب توسعه ایران می‌تواند نقطه امیدبخشی برای مردم خوزستان باشد. مردم استان می‌بینند پرآب‌ترین رودخانه کشور در دشت خوزستان جاری است اما حتی برخی روستاهای با فاصله ۴۰ کیلومتر از این رود، آب آشامیدنی ندارند و دو شهر مهم و استراتژیک چون آبادان و خرمشهر از آب سالم بی‌بهره هستند. برداشت غیرصیانتی و غیرکارشناسانه از سرشاخه‌های رودخانه کارون باعث میرایی کارون عظیم شده است و خوشبختانه اولین مقام اجرایی کشور با صراحت این وعده را داد که بهره‌برداری از سرشاخه‌ها برای استان‌های مرکزی صرفا باید به‌منظور مصارف آشامیدنی برنامه‌ریزی و اجرا شود. آقای روحانی درباره به‌بهره‌وری‌رساندن سه تا پنج‌هزارهکتار زمین در دشت خوزستان اشاره کرد که نیاز به برنامه‌ریزی، احداث کانال‌های پایین‌دستی سد کرخه و سایر سدها برای کشت و به‌بهره‌برداری‌رساندن آنهاست. این نکته توسط مقام معظم رهبری به‌عنوان ایده مطرح شد و دولت‌ها تلاش‌هایی پیرامون آن صورت دادند اما مساله اساسی، پیوستگی میان بهره‌برداری صیانتی از سرشاخه‌ها و سیراب‌کردن دشت کارون است. هنگامی که کشاورزی خوزستان به شیوه‌ای کاملا طبیعی و با بازده کشت، دو یا سه نوبت در سال می‌تواند از منظر ملی، فواید بسیاری برای کشور به‌دنبال داشته باشد چرا باید آب آن با هزینه‌های هنگفت برای استان‌های مرکزی برای استفاده صنعتی یا کشاورزی انتقال داده شود. در کنار همه اینها، توجه به صنایع پایین‌دستی در بخش نفت و پتروشیمی که گستره وسیعی از فعالیت‌های اشتغالزا و کارآفرینی را به‌دنبال دارد، می‌تواند مدنظر دولت یازدهم باشد. خوشبختانه سخنان آقای روحانی در سطوح کلان و با نیم‌نگاهی به «زبان» مردم استان ایراد شد و اگر تیم اجرایی فقط به همین چند مورد به‌طور جدی توجه کند بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

واکنش فرجی‌دانا به شکایت ۳ نماینده:

بازگشت «ستاره‌دارها» قانونی است

شرق: سخنگوی «کمیسیون اصل ۹۰» گفت: «سه‌نفر از نمایندگان مجلس‌شورای‌اسلامی به‌دلیل ممانعت از اعمال حق نظارت نمایندگان مجلس بر دستگاه‌های اجرایی از رضا فرجی‌دانا، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شکایت کردند.» شکایت این نمایندگان از فرجی‌دانا در حالی است که گروهی از نمایندگان مجلس، پیش از این ایراداتی به اقدام فرجی‌دانا برای بازگشت گروهی از دانشجویان ستاره‌دار مطرح کرده بودند.

در همین رابطه رضا فرجی‌دانا، در حاشیه سفر استانی هیات‌دولت به استان خوزستان اعلام کرد: «در مورد بازگشت «دانشجویان ستاره‌دار» و «محروم از تحصیل» یک روال قانونی طی شده و با توجه به مستنداتی که داریم جای هیچ‌گونه نگرانی در رابطه با شکایت نمایندگان وجود ندارد.» این در حالی است که سه نماینده ای که از وزیر علوم شکایت کرده اند می گویند مصوبه ای در رابطه با اختیارات قانونی هیات گذینش دانشجو وجود ندارد.با این حال فرجی دانا افزود: «کمیته بر اساس اختیارات قانونی خود، موضوع «دانشجویان ستاره‌دار» و «محروم از تحصیل» را بررسی کرده است و جا برای شکایت وجود ندارد، ما همیشه سعی کرده‌ایم قانونمند رفتار کنیم و در قبال مجلس نیز مستندات قانونی وجود دارد.» او با تاکید بر اینکه «متاسفانه در شرایط فعلی برخی تنها به حاشیه می‌پردازند»، گفت: «این در صورتی است که بزرگ‌ترین چالش آموزش عالی در حال حاضر کمبود امکانات است و ما با دیون بزرگی حدود هزارو۲۰۰میلیاردتومان مواجه هستیم که کمر دانشگاه‌ها را خم کرده است و دولت و مجلس باید به‌دنبال حل این مسایل باشند تا راه برای توسعه علمی بیشتر در کشور هموار شود.»پیش از این نیز آن وزیر علوم تاکید کرد که قضاوت درباره بازگشت دانشجویان ستاره‌دار طبق قانون به هیات مرکزی گزینش واگذار شده و وظایف هیات مرکزی نیز در شورایعالی انقلاب فرهنگی تعیین شده است. وزیر علوم همچنین تصریح کرده بود: در مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی عنوان شده که نه قوه‌مقننه و نه قوه‌قضاییه وارد احکام هیات مرکزی گزینش نشوند و حتی به صراحت اعلام شده که کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و دیوان عدالت اداری نیز وارد این موضوع نشوند، به‌همین‌دلیل در بحث ذکر شده باید تابع قانون باشیم و به اختیارات هیات مرکزی گزینش احترام بگذاریم. در همین راستا با پیگیری‌های رسانه‌ها، مشخص شد مصوبه‌ای در تاریخ ۱۱ شهریور ۶۵ در شورایعالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است که بر اساس آن صراحتا تاکید شده که احکام نهایی صادرشده توسط هیات مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی بر اساس مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی است و دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس‌شورای‌اسلامی و بازرسی کل کشور نباید با مصوبات شورا مخالفت کنند. حالا این گروه از نمایندگان مجلس مدعی شده‌اند چنین مصوبه‌ای در شورایعالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد. براین اساس مصطفی افضلی‌فر، سخنگوی کمیسیون اصل۹۰ مجلس می‌گوید: «چندی قبل نمایندگان مجلس در کمیسیون آموزش و تحقیقات درباره بازگشت دانشجویان ستاره‌دار و کسانی که از وزارت اطلاعات اخطار دریافت کرده بودند، برای تحصیل و تدریس در دانشگاه‌ها، از وزیرعلوم برای ارایه توضیحاتی دعوت کرده بودند.»

وی ادامه داد: «ولی رییس هیات عالی گزینش، به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرده است که بر اساس مصوبه شورای انقلاب فرهنگی نمی‌توان پرونده‌ها را در اختیار نمایندگان قرار داد که پس از بررسی‌ها مشخص شد، چنین مصوبه‌ای در شورایعالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد.»

درخواست وزیر آموزش و پرورش از رییس قوه‌قضاییه:

معلمان بازداشتی را عفو کنید

محمدحسین نجاتی: روابط عمومی وزارت آموزش‌وپرورش روز گذشته از ارسال نامه‌ای از سوی علی‌اصغر فانی به رییس قوه‌قضاییه برای عفو معلمان بازداشتی خبر داد. مساله‌ای که در سال‌های اول فعالیت دولت نهم و مدیریت محمود فرشیدی آغاز شد، پس از سال ۱۳۸۸ شدت گرفت و در دوره مدیریت حمیدرضا حاجی‌بابایی در دولت دهم وجود آن از اساس تکذیب شد. حالا وزیر آموزش‌وپرورش در نامه‌ای از رییس قوه‌قضاییه درخواست کرد با توجه به مناسبت‌های پیش‌رو، تعدادی از معلمانی که در بازداشت به‌سر می‌برند و حکم قضایی دارند مورد عفو قرار گیرند. او درباره اقدامات صورت‌گرفته توسط این وزارتخانه برای آزادی برخی معلمان عضو تشکل‌های صنفی فرهنگیان که دربازداشت به‌سر می‌برند، گفت: تمامی تشکل‌های فرهنگیان دارای مجوز از وزارت کشور مورد احترام آموزش‌وپرورش هستند و از دید ما به‌عنوان فرصت‌هایی برای آموزش‌وپرورش تلقی می‌شوند.

وزیر آموزش‌وپرورش با ابراز امیدواری نسبت به جواب دادن نامه از سوی رییس دستگاه قضا، افزود: وزیر اطلاعات قول داده با تشکل‌های شناسنامه‌دار و قانونی فرهنگیان دیداری داشته باشد و هم‌اکنون در حال هماهنگی و برنامه‌ریزی برای انجام این دیدار هستیم. وزیر آموزش‌وپرورش ابراز امیدواری کرد، دیدار وزیر اطلاعات با تشکل‌های فرهنگیان، جلسه مشکل‌گشایی برای ادامه فعالیت این تشکل‌ها در قالب قانون احزاب باشد.

گرچه وزیر آموزش‌وپرورش اشاره‌ای به تعداد معلمان زندانی و نوع جرایم تشخیص داده برای آنها از سوی قوه‌قضاییه نکرده است، اما به نظر می‌رسد، اشاره او به معلمان زندانی دارای احکام قضایی در میان سه گروه از معلمان زندانی است. نکته حایز اهمیت دیگر اینکه، بخش زیادی از معلمان نیز طی هشت‌سال فعالیت دولت‌های نهم و دهم، احکام اداری دریافت کرده‌اند. احکامی که کمترین جریمه آنها درج در پرونده و توبیخ کتبی و بیشترین آن، اخراج از آموزش‌وپرورش است. در این رابطه محمدرضا نیک‌نژاد معلم شاغل در آموزش‌وپرورش شهر تهران و عضو کانون صنفی معلمان در رابطه با آمار معلمان بازداشتی می‌گوید: «متاسفانه آمار مستندی از تعداد معلمان بازداشتی وجود ندارد، اما تا آنجایی که ما مطلع هستیم، هشت‌معلم تهرانی هم‌اکنون در بازداشت هستند که در میان آنها کسانی چون آقای رسول بداغی، عضو کانون صنفی معلمان و آقای سیدمحمود باقری هم حضور دارند که هرکدام به ترتیب شش‌سال و ۱۰سال حکم قضایی دریافت کردند.»

خانواده معلمان زندانی شرایط نامناسبی دارند

نیک‌نژاد در ادامه با اشاره به وضعیت خانواده‌های معلمان زندانی می‌گوید: «معلمانی که از قوه‌قضاییه حکم دریافت کردند و در زندان هستند، از آموزش‌وپرورش نیز اخراج شده‌اند و خانواده‌های آنها، شرایط نامناسبی دارند و از مشکلات مادی و معنوی بسیار زیادی رنج می‌برند.» او همچنین تعداد معلمانی که احکام اداری از آموزش‌وپرورش دریافت کردند را «بیش از ۷۰نفر» ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «آقای فانی در دیدار با برخی تشکل‌های معلمان قول پیگیری این احکام را داده و عنوان کرده‌اند که این بررسی‌ها در مراحل آخر کاری خود است.»

گزارش «شرق» از ۲ پلنگ ایرانی تیرخورده

«البرز» مُرد، «لورا» جراحی شد

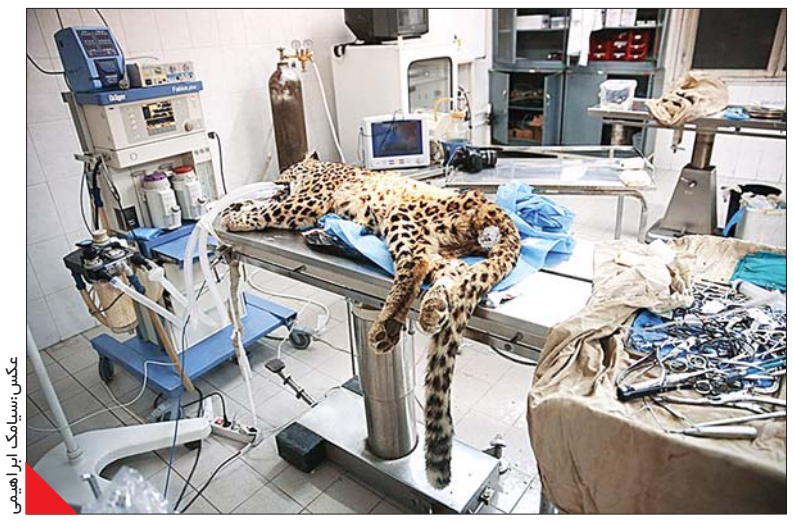

عکس: سیامک ابراهیمی

شرق: البرز، پلنگ نر ۹۸کیلویی تنکابنی بالاخره راحت شد. پلنگ زخمی تنکابن که به علت تیراندازی دچار ضایعه نخاعی شده بود به روش مرگ آسان و با تزریق داروی بیهوشی در دوز بالا مرد. این پلنگ، ۱۳دی امسال در منطقه شکارممنوع دوهزار در تنکابن مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از ناحیه دوپا فلج شد. منطقه دوهزار یکی از مناطق شکارممنوع است که گونه‌های ارزشمند کل، بز، شوکا و پلنگ در آن زیست می‌کنند و دارای جمعیت خوب گراز است که طعمه پلنگ محسوب می‌شود. بدن این پلنگ هدف ۵۰گلوله ساچمه‌ای شکارچیان بی‌رحم قرار گرفته و به‌همین‌دلیل نخاعش آسیب دیده، به‌گونه‌ای که دوپای این جانور به‌صورت کامل فلج شده است. همچنین یکی از دست‌های البرز مدتی پیش به‌دلیل قرار گرفتن در یک تله از ناحیه مچ قطع شده بود و تنها با یک دست سالم، بدن بزرگ خود را روی زمین می‌کشید، در روز ۱۳دی سرنشینان خودروهای در حال عبور از جاده، این جانور را مشاهده کردند که با بدن رنجورش در حال عبور از جاده است. علی عمارلویی، مسوول کلینیک حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست در زمان تزریق داروی بیهوشی به پلنگ زخمی، گفت: این پلنگ، نر و هشت‌ساله بود و قرار است از مغزاستخوان، اسپرم و سلول‌های آن نمونه‌برداری و در بانک ژن دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران نگهداری شود. او گفت: امکان ادامه حیات این پلنگ وجود نداشت و مقرر شده است که بدن حیوان با شرایط کنونی دوپای فلج و قطع‌بودن سه انگشت یک‌دست توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست تاکسیدرمی شود و این تاکسیدرمی با ثبت تاریخچه و چگونگی کشته‌شدن در موزه حیات‌وحش این سازمان نگهداری شود. عمارلویی افزود: این پلنگ ۱۴دی برای مداوا به تهران منتقل شد و در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مورد مداوا قرار گرفت اما به‌دلیل اینکه قطع‌نخاع شده بود هیچ حسی نداشت از این‌رو خودش را محکم به دیواره قفس می‌کوبید که این کار موجب بیشتر زخمی‌شدن حیوان می‌شد. او همچنین گفت: معاینه اولیه نشان داده بود که این حیوان قبلا هم مورد اصابت گلوله قرار گرفته همچنین سه انگشتش به علت گرفتارشدن در تله قطع شده بود. عمارلویی تاکید کرد: به علت قطع‌نخاع‌بودن، پلنگ کنترل ادرار و مدفوع نداشت و از آنجا که امکان نزدیک‌شدن به حیوان هم وجود نداشت به مرور شرایط نامطلوبی ایجاد شد، با تمام این مشکلات تیم معالج حیوان اعم از دامپزشکان دانشکده دامپزشکی دانشگاه‌تهران و سازمان حفاظت محیط‌زیست تمام راه‌های معالجه احتمالی یا بهترین روش نگهداری این حیوان را مورد بررسی قرار دادند اما به نتیجه‌ای نرسیدند و در نهایت تصمیم بر مرگ آسان پلنگ گرفته شد. علاوه بر البرز، دیگر پلنگی که در ماه اخیر به‌دلیل اصابت گلوله دچار ضایعه نخاعی شده بود پلنگی جوان و ماده بود که در خرم‌آباد لرستان پیدا شد. شکارچیان ناشناس به این پلنگ چهارگلوله شلیک کرده بودند که یکی از این گلوله‌ها به نخاع پلنگ برخورد کرده و آن را زمینگیر کرده بود. خبر دیگر نیز مرتبط با پلنگ زخمی دیگری است که بدن این جانور هم چهارگلوله خورده است. ماده‌پلنگ جوانی که روز ۱۲دی درحالی‌که هدف گلوله چهارپاره افراد ناشناس قرار گرفته بود در اطراف خرم‌آباد مشاهده و پس از بیهوشی جهت درمان به تهران منتقل شد. این پلنگ لورا نام گرفته است و حالا ۱۲روزی می‌شود که در تهران تحت مداواست. در معالجات اولیه پس از تهیه عکس رادیوگراف و انجام سی‌تی‌اسکن در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشخص شد چهارساچمه گلوله چهارپاره به بدن ماده‌پلنگ جوان برخورد کرده که سه‌ساچمه پس از برخورد از سمت دیگر بدن حیوان خارج شده و یکی از ساچمه‌ها با برخورد به ستون مهره‌ها در زیر یکی از مهره‌ها ثابت و منجر به ایجاد ضایعه نخاعی در پلنگ شده است. نخاع لورا نیز به دلیل اصابت گلوله دچار آسیب جدی شده بود و دامپزشکان از احتمال اندک بهبودی این جانور خبر می‌دادند، حالا بر اساس خبری که پایگاه خبری دیده‌بان محیط‌زیست و حیات‌وحش ایران منتشر کرده پس از انجام ام‌آرآی بر روی بدن لورا مشخص شد علاوه بر شکستگی بدنه یکی از مهره‌ها که پیش از این نیز در سی‌تی‌اسکن معلوم شده بود، شکستگی دیگری در قسمت فوقانی یکی از مهره‌های پلنگ خرم‌آباد وجود دارد که باعث فشار بر روی نخاع و آسیب‌دیدگی آن شده است. به همین دلیل و پس از بررسی نتیجه ام‌آرآی توسط تیم تخصصی دامپزشکی، ماده‌پلنگ خرم‌آباد روز یکشنبه در بیمارستان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت تا فشار از روی نخاع پلنگ برداشته و همچنین میزان آسیب‌های نخاعی مشخص شود. به گفته دامپزشکان معالج، میزان شانس موفقیت و ترمیم ضایعه نخاعی پلنگ خرم‌آباد بسیار اندک است اما امکان بهبودی وجود دارد. یکی از اعضای تیم معالج لورا درباره عمل این پلنگ به «شرق» گفته: لورا هم‌اکنون در مرحله دریافت دارو است و برای مشخص‌شدن نتیجه عمل باید چندین روز صبر کرد. این پلنگ هم‌اکنون در مرکز بازپروری پردیسان نگهداری می‌شود.

شهرهای جهان! پیاده شوید

احمد نامداریان . دانشجوی دکترای شهرسازی

شهرها به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال یکی از درخشان‌ترین آثار تمدنی بشر همواره مورد توجه قرار گرفته‌اند. در طول تاریخ در کنار هر تمدن اثرگذاری، نام پایتخت و چند شهر مهم آنها نیز آمده است، چراکه تعالی، ثبات و اقتدار یک نظام را در توفیق شهرهای آن می‌دانند. در مقابل نظامات ایلی و عشیره‌ای که بر پایه حرکت و عدم‌ثبات است، شهرنشینی به منزله استمرار است.

تردیدی نیست که شهر محصول نظام و سازمان اجتماعی است که در بستر آن زیست می‌کنند و به عبارتی شهر، بازتاب زندگی دوره‌ای است که شهروندان در کنار هم قرار دارند. اما این قابل‌کتمان نیست که شهر نیز زندگی ساکنان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. بنا بر تعریف شهر، کنشگران و نیروهای متفاوتی به شهرها شکل می‌دهند. از نیروهای اعتقادی گرفته تا نیروهای طبیعی، تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اداری. هر چقدر از جامعه سنتی به جوامع امروز پیش آمده‌ایم، تکثر این نیروها بیشتر شده است. تا جایی که عمر نیروهای اداری به کمتر از یک قرن می‌رسد. نیروهای اداری با ابزارهایی مانند طرح‌های جامع و تفصیلی و به‌طورکلی ضوابط و مقررات سعی در کنترل و نظارت بر شهرها دارند. نیروهای دیگر نیز هر یک به نوعی در فرآیند روزمره شهری مداخله دارند. کوتاه آنکه در مقابل هماهنگی و انسجام ساختار شهرهای پیش از مدرن، شاهد بی‌نظمی و رشد لجام‌گسیخته شهرهای امروز هستیم. بخشی از این عدم انسجام ناشی از تکثر نیروها و ماهیت متضاد منافع آنهاست. از دوران مدرن، به‌واسطه مشکلات بهداشتی فراوانی که برای شهرهای قرن نوزدهم ایجاد شده بود، نگاه به شهرها نیز تغییر کرد و چهار کارکرد سکونت، کار، تفریح و حمل‌ونقل را برای شهرها در نظر گرفتند. این کارکردهای پیشنهادی مدرن، بافت شهرها را دگرگون کردند. خصوصا با پیشرفت روزافزون حمل‌ونقل و ورود ماشین به شهرها، شهرها روزبه‌روز به موجوداتی در خدمت ماشین تبدیل شدند. جاده‌ها افزایش یافتند، عریض‌تر شدند، قسمت‌های زیادی از شهرها را دریدند و در نهایت شهرها به شبکه‌هایی تبدیل شدند که وظیفه دارند افراد سواره را در سریع‌ترین شکل ممکن به مقصد برسانند.

با این نگاه، شهروند معمولی سواره‌ای تلقی می‌شد که برای انجام کاری وارد شبکه شهری شده است و مسوولان وظیفه اصلی خود را ارایه خدمات به این گروه دانستند. آنچه در این میان دیده نشد، نیاز شهروندانی است که از خودرو استفاده نمی‌کنند. در شهرهای امروز روزبه‌روز عرصه بر این گروه تنگ‌تر می‌شود. ماحصل این نگاه، مقیاس غیرانسانی شهرهای امروز است که مهم‌ترین تفاوت این شهرها با شهرهای پیش از مدرن است. مقیاس ساختار شهری به‌گونه‌ای است که بیشتر در خدمت سواره و سرعت است.

به‌تازگی زیرگذر پیاده چهارراه ولیعصر نیز افتتاح شد. چهارراه ولیعصر؛ چهارراهی با اهمیت در ساختار شهر تهران است. از طرفی تقاطع دو محور بسیار مهم خیابان ولیعصر به‌عنوان یک خیابان تاریخی- تفریحی و خیابان انقلاب به‌عنوان یک محور فعال شهری- فرهنگی است. قرارگیری تئاتر شهر، به این چهارراه یک شخصیت بسیار ممتاز داده است. سال‌ها این چهارراه مأمن و پاتوق اهالی فرهنگ و هنر بوده است. به عبارتی این چهارراه به‌عنوان یکی از نقاط مدنیت شهر تهران بوده، اما امروزه تغییر زیادی کرده است. از طرفی یک خط «بی‌آرتی» از این چهارراه عبور می‌کند. ویژگی مهم این خطوط عبور سریع است. حجم عظیم خودرو نیز این چهارراه را جولانگاه خود قرار داده‌اند. از طرف دیگر به‌واسطه ماهیت چهارراه، عابران زیادی همواره خواهان عبور از این چهارراه هستند. حال با احداث یک زیرگذر پیاده سعی در حل معضل ترافیک این نقطه داشته‌اند. به واسطه این تصمیم، هیچ عابری حق عبور از چهارراه نداشته و باید از زیرگذر استفاده کند. مرور این تصمیم نشان می‌دهد که افراد پیاده نیز در این میدان، قافیه را به حریف پولادین خود باخته‌اند. در این نوع نگاه، افراد پیاده به‌عنوان مزاحمان حرکت خودرو تلقی شده‌اند که باید آنان را به تردد از زیرزمین هدایت کرد. تصور کنید مهم‌ترین نقطه مدنیت یک شهر جایی باشد که افراد پیاده به دالان‌های زیرزمینی هر چند زیبا فرستاده شده باشند. حالا سواره‌ها با خیالی آسوده و با سرعت می‌توانند از چهارراه عبور کنند. سوال اساسی اینجاست چرا خیابان‌ها که باید محل زیست اجتماعی باشند، تنها به محل «عبور» سواره‌ها تبدیل شده‌اند. خیابان‌های امروز به زندگی «فارست گامپ» شبیه‌ترین شده‌اند که مدام در حال دویدن هستند بدون آنکه بدانند به کجا خواهند رسید. اگر قرار به رسیدن باشد کجا ارجح‌تر از «تئاتر شهر». نسبت افراد و شهروندان سواره، با پیاده‌ها قابل مقایسه نیستند. پس چرا رویکرد و نگاه مسوولان شهر به ارایه خدمات برای سواره‌ها معطوف شده است و پیاده‌ها باید در دالان‌های زیرزمینی به محاق بروند؟ حل معضل ترافیک، نیازمند نگاهی استراتژیک است و تدابیر موضعی، تنها عرصه را برای حضور بیشتر سواره، آلودگی بیشتر، انزوای پیاده، کمرنگ‌شدن تعامل اجتماعی و از هم دورشدن افراد جامعه را فراهم خواهد کرد. سنت (Sennett،۱۹۹۰:۴)، تمدن‌های پیشین و به‌ویژه تمدن‌های باستانی را به‌لحاظ مشارکت در زندگی عمومی ستایش می‌کرد. وی معتقد بود که زندگی عمومی مدرن، بیش از حد خصوصی شده و این وسواس جامعه مدرن در خصوص شخصیت‌هاست که جامعه‌ای خلق شده که عمده اعضای آن نقش واقعی در خلق آن ندارند. وی مدرنیسم را به دلیل آفرینش «فضای عمومی مرده»، فضاهایی منزوی‌شده و منزوی‌کننده، سرزنش می‌کرد. انتقاد دیگر او بر فضاهای مدرن آن است که این فضاها، اغلب، فضاهایی برای حرکتند تا ماندن. نگاه دوبعدی مسکن- محل کار یا مبدا- مقصد، خیابان را از جریان زیست شهری انداخته است. حال آنکه اگر قرار بر تفکیکی هم باشد باید بر مبدا- مسیر- مقصد باشد. شایگان نیز درخصوص فضاهای گمشده عنوان می‌کند که آنچه آدمی را نسبت به معماری شهرها و حومه آنها بیزار می‌کند فقدان برجستگی و در یک کلام کاهش صاف و ساده فضا به بعد کمی انسان است. گویی فضا، قالبی میان تهی است حاوی محتوایی تهی‌تر، از اشکالی که تن به ثبات نمی‌دهند. وی از قول ژان پل دُله می‌نویسد «زشتی امری ظاهری نیست، تجاوزی واقعی است.» آنچه امروز در چهارراه‌ولیعصر صورت گرفته، نادیده‌انگاری حقوق اکثریتی خاموش است. امروز شهرهای دنیا به افزایش حس تعلق و هویت شهری تمایل دارند تا از بسیاری آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود. آیا فرستادن افراد پیاده به زیرزمین، هویت شهری را افزایش خواهد داد؟ آیا دیدن هر چند تصادفی تئاتر شهر حس تعلق شهروندی را تقویت نخواهد کرد؟ زندگی در زیرزمین‌های نورانی شبیه آن چیزی که در فیلم «زیرزمین» کاستاریکا به تصویر کشیده شده است، یک فریب عمومی است.

اگر شهر بخواهد رسالت خود را که تعالی انسان و تقویت تمدن بشری است به خوبی انجام دهد باید در وهله اول محل قرار باشد نه محل فرار. این روزها که از معماری و شهرسازی ایرانی و اسلامی سخن گفته می‌شود آیا این معماری و شهرسازی جز به تقویت کرامت انسانی نظر دارد که اینگونه شهروندان مهم‌ترین شهرش در نمادین‌ترین چهارراهش سر به زیر دارند. باید نگاه مسوولان و نیروی اداری شهر از تسهیل حرکت سواره به تامین رفاه پیاده عوض شود و اولویت شهر، شهروندان پیاده باشد نه خودروهایی که ماهیت سرعت و حرکت دارند. در دیالکتیک نیروهای موثر بر شهر باید نیروهای اقتصادی، سیاسی و... کنترل شوند و عرصه برای تنفس نیروهای اجتماعی فراهم‌تر شود. نیرویی که نه قدرت نیروی سیاسی را دارد، نه تامین نیروی اقتصادی و نه نفوذ نیروی اداری، اما شهر در نهایت متعلق به همین نیروهاست.

سرانجام روزی
تمام جاده‌های جهان دست می‌کشند از کار
و در سایه وحشی یک درخت
به انتظار مسافران بی‌هدف خواهند ماند.

خبر

تحصیل بیش از ۱۰هزار طلبه خارجی در قم

● **ایرنا:** معاون امور بین‌الملل حوزه‌های علمیه سراسر کشور گفت: هم‌اینک بیش از ۱۰هزار طلبه غیرایرانی در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل هستند. حجت‌الاسلام محمد زمانی افزود: تاکنون ۱۷هزارنفر از طلبه‌های خارجی در این حوزه فارغ‌التحصیل شده‌اند و مشغول ترویج و گسترش معارف حیات‌بخش اسلام ناب به جامعه بشری هستند.

دوربین چراغ قرمز چه تخلفاتی را ثبت نمی‌کند؟

● **خبرآنلاین:** رییس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ گفت: دوربین‌های چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در ثبت گردش به چپ و راست مشکل دارند که آن را اعمال نمی‌کنیم اما در مورد عبور از چراغ قرمز و خط عابر پیاده تمام جریمه‌ها ثبت می‌شود. سردار حسین رحیمی رییس راهنمایی‌ورانندگی تهران بزرگ گفت: طرح نصب دوربین در چراغ قرمزها بسیار موفقیت‌آمیز بود و تا پایان سال تعداد آن به صد تا ۱۲۰ دوربین می‌رسد.

۴۰درصد تماس‌ها با اورژانس مزاحم تلفنی است

● **فارس:** مدیر روابط عمومی اورژانس کشور گفت: ۴۰درصد تماس‌های مردمی با اورژانس مزاحمت تلفنی است که در برخی شهرها مثل دزفول این میزان به ۸۰درصد هم می‌رسد. این مساله موجب مشکلات شنوایی برای کارکنان اورژانس، گیرکردن ماموران در ترافیک و دیررسیدن در ماموریت‌های واقعی شده است. آرزو دهقانی افزود: تعداد تماس‌های مزاحمتی به اورژانس بسیار بالاست. با اورژانس تهران روزی حدود چهارتا پنج‌هزار تماس برقرار می‌شود که از این تعداد فقط ۱۵۰۰ تماس ماموریت واقعی است.

آخرین وضعیت داروی ایرانی «ایدز»

● **ایسنا:** معاون وزیر بهداشت و رییس سازمان غذا و دارو به پرسش‌هایی پیرامون ورود داروی ایرانی ایدز به نسخ پزشکان ایرانی، صادرات و ثبت آن در کشورهای دیگر و همچنین میزان اثربخشی «آیمود» پاسخ داد. دکتر رسول دیناروند در پاسخ به این پرسش که آیا «آیمود» داروی ایدز ایرانی سرانجام برای صادرات به کشورهای دیگر آماده شد یا خیر، اظهار کرد: به نظر بنده تبلیغ افراطی آیمود درباره این دارو نادرست بود و با وجود اینکه واقعا داروی سیاسی نبود اما سیاسی شد. البته آیمود درمان‌کننده و ضدویروس نیست، بلکه سطح ایمنی بیمار را بالا می‌برد و به او کمک می‌کند تا از خودش دفاع کند.

اولین همایش بین‌المللی تغییر اقلیم مسوولیت اجتماعی و نسل آینده

● **شرق:** علیرضا اوجاقی دبیر شورای سیاستگذاری اولین همایش بین‌المللی و جشنواره تغییر اقلیم، مسوولیت اجتماعی و نسل آینده با اشاره به برگزاری این همایش در بهمن‌ماه سال‌جاری در سالن همایش‌های برج میلاد گفت: «این همایش با دو رویکرد ملی و منطقه‌ای برگزار می‌شود.» وی افزود: آشنایی بنگاه‌های اقتصادی با فرصت‌های انتقال تکنولوژی و سرمایه تحت کنوانسیون‌های بین‌المللی تغییر اقلیم و ارتقای آگاهی جامعه نسبت به مسوولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها در ارتباط با مسایل زیست‌محیطی از اهداف این همایش است و همایش شامل برگزاری جشنواره، کنفرانس علمی و کارگاه آموزشی است.

واکنش انصار حزب‌الله به سخنان وزیر ارشاد

● **شرق:** انصار حزب‌الله در واکنش به اظهارات اخیر وزیر ارشاد متنی به «شرق» ارسال کرد. وزیر ارشاد روز گذشته اعلام کرده بود «ادبیات لمپنیسم یا لثارات در شأن نظام نیست» و «مجوز این نشریه می‌توانست لغو شود.» روابط‌عمومی «انصار حزب‌الله» در واکنش به اظهارات وزیر ارشاد در متن ارسالی خود اعلام کرد: اظهارات خشم‌آلود و بی‌سابقه درباره یک هفته‌نامه منتقد، چیزی جز نسبت‌دادن اتهامات اثبات‌نشده و نیز نوعی فرافکنی و فراربه‌جلو از سوی وزیری که در یک‌قدمی سلب‌صلاحیت قانونی از شأنیت لازمه یک وزیر تراز جمهوری اسلامی قرار دارد نیست. گرچه رفتارهای خلاف قانون و خلاف شأن وزیر ارشاد، طی مد